

# Analysis of the content of the strategic model of linguistic identity in the fifteenth principle of the Islamic Republic of Iran

**Gholamreza Jamshidiha**

Professor of Islamic Social Sciences, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

[gjamshidi@ut.ac.ir](mailto:gjamshidi@ut.ac.ir)

0000-0003-4639-5346

**Seyed Mohammadjavad Ghorbi**

Master's student of Islamic thought, researcher of the history of revolution and political thought of Muslim thinkers, Tehran, Iran (Corresponding author).

[ghorbi68@yahoo.com](mailto:ghorbi68@yahoo.com)

0009-0007-2235-997x

## Abstract

Linguistic identity, as one of the strategic pillars of solidarity and national unity, requires the selection of appropriate policies to protect and preserve the identity of the local and ethnic language alongside the official language. (Issue) Since the fifteenth article in the second chapter of the constitution refers to language issues, this article tries to identify and investigate the linguistic identity model in Iran, and investigate the identity policy in this legal principle. This article tries to answer this question; Based on the fifteenth principle of the Iranian constitution, what policy has been adopted regarding the official language and linguistic identities? (main question) To answer the questions of the article, document-library studies and thematic analysis method have been used. (Method) The analysis of the fifteenth principle shows that the ideal model of linguistic identity in the Islamic Republic of Iran based on the constitution is "unitarianism while accepting linguistic pluralism" (findings) and the government is obliged to create an obstacle in the direction of the policy of teaching local and ethnic languages. don't Ethnic and local language literacy has been accepted in the 15th principle, and based on the model of language policy in the constitution with emphasis on the 15th principle in the second chapter, local and ethnic languages should not be marginalized.

**Keywords:** Content analysis, Constitution, Persian language, linguistic minority, national unity, linguistic identity.

# تحلیل مضمون الگوی راهبردی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

غلامرضا جمشیدیها

استاد تمام دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

gjamshidi@ut.ac.ir

ORCID 0000-0003-4639-5346

سید محمدجواد قربی

کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی اسلام، پژوهشگر تاریخ انقلاب و اندیشه متفکران مسلمان، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

ghorbi68@yahoo.com

ORCID 0009-0007-2235-997x

## چکیده

هویت زبانی به مثابه یکی از شاهکله‌های همبستگی و اتحاد ملی، نیازمند گزینش سیاست‌گذاری مناسب برای پاسداشت از هویت زبان محلی و قومی در کنار زبان رسمی می‌باشد. (موضوع) از آنجایی که اصل پانزدهم قانون اساسی به مسائل زبانی اشاره می‌کند، این مقاله برای شناسایی و بررسی الگوی هویت زبانی در ایران تلاش می‌کند تا به بررسی سیاست هویتی در این اصل قانونی بپردازد. (هدف) تلاش بر این است به سؤال زیر پاسخ داده شود: بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی ایران، در خصوص زبان رسمی و هویت‌های زبانی چه سیاستی اتخاذ شده است؟ برای پاسخگویی به سؤال‌های مقاله از مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای و روش کیفی تحلیل مضمون استفاده شده است. (روش) تجزیه و تحلیل اصل پانزدهم نشان می‌دهد الگوی مطلوب هویت زبانی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس قانون اساسی، «وحدت‌گرایی در عین پذیرش تکثر زبانی» می‌باشد و دولت موظف است مانعی در راستای سیاست آموزش زبان‌های محلی و قومی ایجاد نکند. بر اساس الگوی سیاست زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی نباید زبان‌های محلی و قومی به حاشیه رانده شوند.

**کلیدواژه‌ها:** تحلیل مضمون، قانون اساسی، زبان فارسی، اقلیت زبانی، اتحاد ملی، هویت زبانی.

شاپای الکترونیک: ۶۵۵X-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد اجتماعی فرهنگی

doi 10.22034/ses.2024.420475.1509



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی نمی‌باشد.

## مقدمه و بیان مسئله

جوامع مختلفی با پدیده چندزبانی و تکثر گویش‌ها در یک واحد جغرافیایی مواجه هستند و اقلیت‌ها و گروه‌های قومی مختلف در این محیط‌های جغرافیایی زیست می‌کنند که از زبان و گویش مربوط به خود برخوردارند. برخی از نظام‌های سیاسی برای ایجاد همبستگی اجتماعی در سده‌های گذشته، بر وحدت زبانی تأکید کردند و کثرت‌گرایی زبانی در یک سرزمین را به‌مثابه تهدید در نظر می‌گرفتند. در طرف مقابل، برخی از واحدهای سیاسی در نظام بین‌الملل، پذیرای چندفرهنگی بودن جامعه بودند و به‌همین دلیل، از کثرت زبانی حمایت کردند. به‌عبارتی، برخی نظام‌های سیاسی با اینکه از آن‌ها با عنوان جوامع چندفرهنگی یاد می‌شود، از گویش‌ها و زبان‌های موجود حمایت کرده و در سیاست‌گذاری زبانی، حقوقی را برای زبان‌ها و گویش اقلیت، قومیت و فرهنگ‌های مختلف قائل هستند که دولت موظف به تأمین حقوق زبانی این گروه‌ها می‌باشد. جامعه ایرانی دارای فرهنگ‌های متنوعی است که در هر گوشه از ایران با زبان و گویش‌های مختلف روبه‌رو هستیم. در برخی از سیاست‌های فرهنگی عصر پهلوی نسبت به این سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بی‌توجهی شد و حتی الگوی سیاست زبانی وحدت‌گرایانه با تمرکز بر زبان فارسی به‌عنوان زبان معیار و رسمی انتخاب گردید که این مسئله، نادیده گرفتن حقوق زبانی اقلیت‌ها و قومیت‌های ایرانی بود. توضیحات فوق‌الذکر به اهمیت سیاست زبانی در جامعه ایران اشاره دارد و از آنجایی که یکی از بسترهای شناسایی حقوق زبانی، قوانین ملی و اسناد فرادستی در هر کشوری می‌باشد، با تحلیل قوانین ملی می‌توان به شناخت الگوی سیاست‌گذاری زبانی دست یافت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی، به مسئله زبان در قانون اساسی توجه شد. برای شناسایی الگوی هویت زبانی در جمهوری اسلامی ایران، مقاله حاضر تلاش دارد هویت زبانی در جامعه ایرانی را بر اساس ظرفیت‌های قانون اساسی بررسی نماید. مفروض اصلی به این قرار می‌باشد که قانون اساسی به اصل زبان رسمی و غیررسمی توجه دارد و علاوه بر تأکید بر زبان فارسی به‌عنوان زبان رسمی، اقلیت‌های زبانی را به‌رسمیت شناخته است.



## ۱. هدف پژوهش

هدف اصلی مقاله حاضر، تبیین سیاست و هویت زبانی در فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی با تأکید بر اصل پانزدهم است.

## ۲. سؤال‌های پژوهش

برای دستیابی به هدف پژوهش، لازم است به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- فارسی در اصل پانزدهم قانون اساسی اشاره به چه مواردی دارد؟
- ۲- زبان فارسی چه نقشی در وحدت ملی بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی دارد؟
- ۳- مسئله اقلیت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چگونه بازتاب یافته است؟
- ۴- الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چه می‌باشد؟

## ۳. پیشینه پژوهش

کعبی در گزارشی با عناوین «تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران: تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی»، به بررسی مبانی، اصول و مؤلفه‌های اصل پانزدهم قانون اساسی پرداخته است (کعبی، ۱۳۹۴). این گزارش تلاش دارد ریشه‌های تاریخی و اعتقادی این اصل را با تأکید بر مشروح مذاکرات مجلس قانون اساسی بررسی نماید. فتحی در پژوهش «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان: بررسی اصل پانزدهم»، به بررسی نظریات شورای نگهبان نسبت به مسئله زبان در فصل دوم قانون اساسی می‌پردازد (فتحی، ۱۳۹۳). این گزارش، دیدگاه اعضای شورای نگهبان نسبت به زوایای مختلف مسئله زبان در جمهوری اسلامی ایران را نمایان می‌نماید. آیین‌نگینی در پژوهش «شرح مبسوط قانون اساسی؛ شرح اصل پانزدهم قانون اساسی»، تلاش داشت به بررسی مبانی فقهی و دینی اصل پانزدهم به همراه تاریخچه طرح این مسئله در جلسات خبرگان قانون اساسی بپردازد (آیین‌نگینی، ۱۳۹۴). هوشنگی در مقاله «برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، تأکید می‌ورزد نکته تحلیلی اصل پانزدهم قانون اساسی، اصالت خط و زبان فارسی است که هم تفسیر اصل و هم برداشت‌های آن باید با رعایت این نکته صورت پذیرد (هوشنگی، ۱۳۹۹). به غیر از این آثار، مقالات علمی دیگری منتشر نشده است. مقاله حاضر تلاش دارد با بررسی مسئله هویت زبانی، الگوی سیاست زبانی و هویت ناشی از آن را در اصل ۱۵ قانون اساسی استخراج نماید. نوآوری اثر حاضر، تحلیل مضمون اصل پانزدهم قانون اساسی و استخراج الگوی مفهومی سیاست زبانی در این اصل بوده است.

## ۴. چهارچوب مفهومی

### ۴-۱. هویت زبانی

زبان<sup>۱</sup> به‌عنوان مهم‌ترین عامل انتقال فرهنگ و میراث گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین و سامان‌دهی افکار و اعتقادات افراد جامعه دارد که این عامل یکی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل هویت محسوب می‌شود (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴، ص. ۸۹). کمتر کشوری است که از تنوع زبانی برخوردار نباشد. چندین سند بین‌المللی نظیر میثاق حقوق مدنی و سیاسی<sup>۲</sup>، مقوله‌نامه حقوق کودک<sup>۳</sup> و اعلامیه جهانی حقوق زبانی<sup>۴</sup> در جهت ترویج و حمایت از تنوع فرهنگی و به‌ویژه حقوق زبانی به تصویب رسیده‌اند. توجه به زبان در نظام حقوقی کشورهایایی که از تنوع زبانی برخوردارند ضروری به نظر می‌رسد. در نظام حقوقی ایران نیز حقوق زبانی به صورت محدود در اصل ۱۵ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است؛ اما سازوکارهای اجرایی این حقوق در قوانین و مقررات پیش‌بینی نشده است (محمودی، ۱۳۹۵، ص. ۱). نباید نادیده گرفت که تحلیل نظریه‌ها و مصداق‌ها مؤید نقش مهم زبان در ایجاد هویت قومی و ملی است و احترام گذاشتن به زبان قومیت‌ها به منزله ابزار مهم ارتباط دولت با ملت و ریسمان اتحاد و انسجام اقوام مختلف در نظر گرفته می‌شود (قمری و حسن‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۵۴).

هویت دارای اقسام زبانی، قومی، ملی، دینی و حتی جهانی است. به سبب وجود حس هویت‌یابی در انسان، شناسایی عوامل مؤثر بر هویت ازجمله زبان نیز راهبردی و دارای ارزش سیاست‌گذاری است. یکی از مهم‌ترین نقش‌های زبان، ایجاد هویت است. زبان هویت را نمادپردازی می‌کند و نشان‌دهنده هویت گویشورانش است. افراد با استفاده از زبانی که به کار می‌برند، نشان می‌دهند چه کسانی هستند، چه کسانی نیستند و چه کسانی نمی‌توانند باشند؛ یعنی هویت زبانی خود را نشان می‌دهند. همچنین مردم دیگران را بر اساس زبانی که با آن صحبت می‌کنند، طبقه‌بندی می‌کنند. در عصر حاضر، زبان به فراگیرترین عنصر هویتی تبدیل شده است که دیگر مقوله‌های هویت‌ساز را درنوردیده است و در میان عناصر هویت‌ساز، زبان در رتبه اول شبکه ارتباط و تعامل اجتماعی قرار دارد. سخنگویان هر زبانی با لهجه، واژگان و

1. Language
2. The international covenant on civil and political Rights
3. Convention on the Rights of the Child
4. Universal Declaration on Linguistic Rights

الگوهای کلامی که به کار می‌برند، هویت خود را ساخته و به‌عنوان اعضای یک جامعه زبانی یا گفتمانی خاص شناخته می‌شوند (سجادی، ۱۳۹۵، ص. ۴). از میان همه شکل‌های تعامل اجتماعی، زبانی که مردم به آن سخن می‌گویند، مؤثرترین و جاودانه‌ترین منبع هویت است. شباهت‌ها و تفاوت‌های فرهنگی از طریق عامل زبان هویدا می‌شوند. زبان با آفرینش نظام معنایی فهمیدنی در تعامل اجتماعی، مهم‌ترین ابزار ارتباطی و از عناصر مشترک هویتی به‌شمار می‌آید. این ابزار می‌تواند تا حد زیادی انتقال دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای مشترک را در تعامل اجتماعی و در توالی نسل‌ها برعهده بگیرد. پس، رابطه‌ای دوسویه میان زبان و هویت وجود دارد. زبان و گویش هر جماعت، معرف بخشی از هویت آن است و به‌طور مشخص، زبان واحدی که برای همگان فهمیدنی باشد، از لوازم اولیه و گریزناپذیر تکوین ملت و کشور و از لوازم اولیه همبستگی آن به‌حساب می‌آید (میرزائی، ۱۳۹۳، ص. ۱۱۰)؛ البته برخی باور دارند هویت زبانی<sup>۱</sup> نوعی واپس‌گرایی و ناپه‌نجاری تاریخی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۵۹)؛ اما باید تأکید شود انسان به‌دلیل اجتماعی بودن به گروه‌هایی در جامعه وابسته است که هرکدام از این گروه‌ها از زبان و اصطلاحات خاص خودشان استفاده می‌کنند. هویت‌های اجتماعی هر فرد، ابعاد مختلف یک زبان را نشان می‌دهند؛ اما ضرورت داشتن هویت‌های گوناگون ممکن است نیازمند کاربرد زبان دوم باشد که بحث تداخل دو زبان را پیش می‌آورد. ازسوی دیگر، هر زبانی فرهنگ خود را گسترش می‌دهد و مقابله دو یا چند زبان در یک جامعه موجب طبقه‌بندی آنها از نظر ارزش استفاده می‌گردد (عیلانی، ۱۳۹۱، ص. ۱).

نظریه پردازان هویت اجتماعی مانند اوکز<sup>۲</sup> بر این باورند که عضویت در گروه به تشخیص، احساس یکی‌شدن و شکل‌گیری نوعی طبقه‌بندی در میان انسان‌ها منجر می‌شود؛ یعنی اعضای هر گروه در هر موقعیتی جانب گروه خود را می‌گیرند و هنگام مقایسه بین گروه خود و گروه‌های دیگر، ابعادی را برای مقایسه برمی‌گزینند که باعث شود نتایج مقایسه در پایان به‌نفع گروهی رقم بخورد که به آن تعلق دارند. به‌بیان دیگر، انسان‌ها شاخص‌هایی را برای مقایسه بین گروه خود و دیگر گروه‌ها انتخاب می‌کنند که به برتری و پیروزی گروه آنها در فرایند مقایسه بینجامد. به‌همین دلیل، نظریه هویت قومی - زبانی برای تبیین و تشریح استفاده از زبان به‌منزله شاخصی برای هویت گروهی مطرح شد. این نظریه تأکید دارد که انسان،

1. Linguistic identity  
2. Oakes

جهان را به گروه‌های اجتماعی مختلف طبقه‌بندی می‌کند و در این میان برای رقم‌زدن هویت اجتماعی مثبت برای خود از شاخص‌هایی استفاده می‌کند که یکی از آنها می‌تواند زبان باشد. زبان بنابر اوضاع و احوال تاریخی و اجتماعی هر جامعه می‌تواند از مؤلفه‌های هویتی آن جامعه باشد. پیوند نقش‌های ابزاری و عاطفی زبان می‌تواند زمینه‌ساز تبدیل زبان به نمادی هویتی باشد (میرزائی، ۱۳۹۳، صص. ۱۱۰-۱۱۲).

#### ۴-۲. الگوهای هویت زبانی<sup>۱</sup>

هویت زبانی به‌طور عمده یک موضوع سیاسی بوده (Rajagopalan, 2001, p. 17) و جزء چشم انداز فرهنگی محسوب می‌شود و خانواده‌های زبانی سبب پیدایش هویت فرهنگی گوناگون می‌شود (جردن و راوتتری، ۱۳۸۰، ص. ۲۱۷). درباره نسبت زبان‌های رسمی و زبان محلی، رویکردهای مختلفی در کشورهای دنیا وجود دارد و سیاست هویت زبانی در جوامع مختلف متمایز می‌باشد (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۱۴). الگوهای هویت زبانی مترصد تبیین پدیده گوناگونی‌های قومی - زبانی و چگونگی پیوند آن با هویت ملی هستند (مدرسی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۹). جوزف<sup>۲</sup> معتقد است الگوی سیاست هویت زبانی همانند شمشیر دوطرفه است؛ زیرا درحالی‌که در یک روش مثبت و سازنده برای تأمین احساسات متعلق به افراد عمل می‌کند، می‌تواند روند تعریف یک «ما» در مخالفت با «آنها» را مشخص سازد (Joseph, 2006, P. 261). از منظر سیاست‌گذاری هویت زبانی، عدم وجود زبان مشترک، و پافشاری هر یک از اقوام شکل‌دهنده ملت بر حفظ زبان مادری بدون توجه به زبان معیار و رسمی، موجب بروز نوعی ناهمسانی و تضعیف هویت مشترک و افتراق ملی می‌شود؛ بنابراین، هویت‌سازی زبانی و ارتقاء سطح انسجام و اتحاد در بسیاری از کشورهای نامتجانس و ناهمگون، به مقوله‌ای جنجالی و پُرمنافشه مبدل می‌شود (طاهری، ۱۳۹۲، ص. ۳۷). دولت نقش بسیار مهمی در فرایند مدیریت شکاف‌های هویت زبانی قومیت‌ها و سیاست‌گذاری زبانی دارد (ترابی و مجیدی، ۱۳۹۳، ص. ۹) و هر دولتی، الگوی خاص برای سیاست‌گذاری زبانی دارد. در ادامه به برخی از الگوهای هویت زبانی اشاره می‌شود.

کشورهای زیادی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اقوام متفاوت وجود دارند که این تفاوت‌ها و تمایزات را برنمی‌تابند و سعی در همسان‌سازی، به حاشیه راندن و حتی

1. Patterns of linguistic identity

2. Joseph

حذف هویت‌های زبانی قومیت‌ها و اقلیت‌ها دارند (عزیزی، ۱۳۹۵، ص. ۵). در این الگو، زبان‌های محلی، قومی و اقلیت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و به همین دلیل، هویت زبانی محلی، قومی و اقلیت‌ها به رسمیت شناخته نمی‌شود و سیاست‌گذاری‌ها صرفاً مترصد تقویت هویت زبان رسمی و واحد در جامعه هستند. سرکوب هویت زبانی محلی و قومی باعث ایجاد شکاف فرهنگی و زبانی در نواحی مختلف زبانی می‌شود. تأکید بر الگوی همسان‌سازی زبانی را می‌توان نوعی سیاست‌گذاری مبتنی بر سرکوب هویت زبانی دانست که برخلاف حقوق انسانی است.

بسیاری از کشورها، تفاوت‌های قومی و زبانی را به مثابه یک فرصت و نه تهدید می‌نگرند. این کشورها در عرصه سیاست هویت زبانی نیز فرهنگ‌ها و زبان‌های متمایز را به عنوان دستاورد مشترک جامعه بشری تلقی نموده و برای حفظ، رشد و شکوفایی آن‌ها نهایت تلاش خود را می‌نمایند. سازمان‌های فرهنگی بین‌المللی به اهمیت ممانعت از جلوگیری از نابودی زبان‌ها پی برده و آموزش نظام‌مند به زبان مادری را از اولویت رهنمودهای خود قلمداد نموده و آموزش چندزبانه را به عنوان مهم‌ترین پیشنهاد خود برای کشورهای دارای تکثر فرهنگی و زبانی ارائه می‌دهند (عزیزی، ۱۳۹۵، ص. ۵). به اعتقاد مارتین مارجر<sup>۱</sup>، سیاست ایجاد کثرت زبانی و فرهنگی می‌تواند از حالت یک سیاست دوفاکتو<sup>۲</sup>، به مجموعه‌ای از قوانین رسمی و مصوب در نظام سیاسی بدل شود، به گونه‌ای که این سیاست‌گذاری هویت زبانی نیز همانند یک عامل مهم در تمامی تصمیم‌گیری‌های سطح ملی مطرح باشد (مارجر، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۵). پاسداشت هویت زبانی نیز بخشی از مطالبات و خواسته‌های اقوام و اقلیت‌های مذهبی می‌باشد و برای تقویت همگرایی و هم‌افزایی زبان قومی و مذهبی، انجام برنامه‌ریزی‌های کلان در چهارچوب الگوی تکثرگرایی در حوزه‌های مختلف لازم است (رضایور و نادری، ۱۳۹۳، ص. ۷۸).

## ۵. روش پژوهش

پیچیدگی محیط سیاست‌گذاری فرهنگی به خصوص مبحث هویت زبانی، ابعاد مختلف مسائل سیاستی و عوامل متفاوت تأثیرگذار بر متغیرهای مورد مطالعه در حوزه زبان در جوامع مختلف ایجاب می‌کند که تحلیل‌گران سیاست‌گذاری، مجهز به رویکردهای روش‌شناسی مناسب باشند تا بتوانند این پدیده‌های غامض را در

1. Martin N. Marger  
2. DeFacto policy

چهارچوب و زمینه خاص خود مطالعه و بررسی نمایند. در این میان، تحلیل مضمون روشی برای تعیین، تحلیل و بیان الگوهای موجود درون داده‌ها است. این روش، داده‌ها را سازمان‌دهی و جنبه‌های مختلف موضوع پژوهش را تفسیر می‌نماید (کمالی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۹). بویاتزیس<sup>۱</sup> (۱۹۹۸) تحلیل مضمون را روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی می‌داند. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون فرایندی است که می‌تواند برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص و غیره مورد استفاده قرار بگیرد (درخشه و دیگران، ۱۳۹۴، صص. ۵۲-۵۳). با توجه به ماهیت مقاله حاضر، بعد از مشاهده متن قانون اساسی با تأکید بر فصل دوم، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط ارائه می‌شود و بستر مناسب برای تحلیل اطلاعات کیفی از طریق مشاهده نظام‌مند فراهم می‌شود. کلیدواژه‌ها در اصل پانزدهم از یکدیگر تفکیک شده و ارتباط معنادار آنها با یکدیگر مشخص شده و با چیدمان کلمات اصل پانزدهم در کنار یکدیگر، رویکردی سیاستی مرتبط با هویت زبانی استخراج گردید. از منظر روش تحلیل مضمون، برای انجام مقاله حاضر بعد از آشنایی با داده‌های کیفی و مشخص کردن کدهای اولیه بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی، مضامین سازنده در حوزه سیاست هویت زبانی استخراج و تبیین می‌شود. بعد از استخراج مضامین مربوط به هویت زبانی در اصل مزبور، تم‌های اصلی استخراج شده تعریف و تشریح می‌شوند.

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۶-۱. هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی

قانون اساسی مهم‌ترین سند حقوقی - سیاسی در امر سیاست‌گذاری و راهنمای عمل حکومت است. از جمله مهم‌ترین مباحث مندرج در قانون اساسی تبیین اهداف کلی نظام و مبانی وفاق و همبستگی ملی، پیش‌بینی راهکارهای کلی ایجاد پیوند دولت و جامعه و گروه‌های اجتماعی، فائق آمدن بر پراکندگی‌ها و تفرق گروه‌های قومی، مذهبی و زبانی است (حق‌پناه، ۱۳۹۴، ص. ۷۲). قانون اساسی ایران با در نظر گرفتن تنوع‌های زبانی و قومی در ایران، حاوی فصولی است که مهم‌ترین مرجع و مبنای تدوین سیاست هویت زبانی می‌باشد. فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران



که اصول پانزدهم تا هجدهم را به خود اختصاص داده (قانون اساسی ج.ا.ایران، ۱۴۰۰، صص. ۳۶-۳۷)، دربردارنده اصول شکلی حکومت جمهوری اسلامی ایران است. در این فصل نمای بیرونی و شکل ظاهری نظام جمهوری اسلامی در قالب زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی مشخص می‌گردد (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۳).

## ۲-۶. الگوی هویت زبانی

در این بخش تلاش می‌شود تا به سؤال «الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چیست» پاسخ مناسب داده شود.

### ۲-۶-۱. «فارسی» به عنوان زبان رسمی در اصل پانزدهم

در این بخش به سؤال «فارسی در اصل پانزدهم قانون اساسی اشاره به چه مواردی دارد؟» پاسخ داده می‌شود. زبان مهم‌ترین و کامل‌ترین وسیله نه‌تنها برای ایجاد ارتباط همزمان میان افراد، بلکه به منظور ارتباط بین نسل‌ها و فرهنگ‌های مختلف در گذشته، حال و آینده نیز به کار می‌رود (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، صص. ۱۵-۱۷). زبان به عنوان هسته اصلی فرهنگ و مؤلفه کلیدی مؤثر در شکل‌دهی هویت مطرح است (نیازی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۹). زبان نظامی از نشانه‌هاست که خود، نظامی صاحب ارزش فرهنگی تلقی می‌شود. کاربران زبان خود و دیگران را از طریق کاربرد زبان می‌شناسند و زبان خود را نماد هویت اجتماعی خویش می‌دانند. گویشوران هر زبانی منع کاربرد زبانشان را اغلب مخالفت با گروه اجتماعی و فرهنگی خود تلقی می‌کنند؛ بنابراین، می‌توانیم بگوییم که زبان نماد واقعیت فرهنگی است (آذرشب و همایونی، ۱۳۹۴، صص. ۹۲-۹۳). زبان رسمی و مشترک هر ملت در کنار ممیزاتی چون دین، مذهب و قومیت به عنوان شاخصی هویت‌بخش و متمایزکننده ملت‌ها در برابر سایر ملل از اهمیت بالایی در ایجاد وحدت و انسجام ملی در یک کشور برخوردار است (آیین‌نگینی، ۱۳۹۴، ص. ۳). زبان جهانی به کار تعامل و ارتباط‌سازی با ملت‌ها می‌آید و زبان ملی وظیفه‌اش ایجاد پیوند و هماهنگی میان همه گروه‌ها و اقوام با زبان‌ها و لهجه‌های گوناگون درون یک کشور است و سرانجام زبان قومی به منظور ایجاد پیوند و ارتباط‌سازی میان اعضای گروه قومی به کار می‌رود. تقویت هر کدام از این زبان‌ها، به رشد وحدت و همدلی کمک خواهد کرد (اجلالی، ۱۳۹۳، ص. ۷). لاجرم، زبان علاوه بر کارویژه ارتباطی، عامل همبستگی و اتحاد در سامان سیاسی و اجتماعی است و زبان رسمی، عامل یکپارچگی در جوامع

چندفرهنگی خواهد بود.

بر اساس تحلیل مؤلفه‌های مربوط به زبان در قانون اساسی می‌توان تأکید داشت که زبان و خط در جامعه ایران یکی از عناصر شاخص و بارز هویتی جامعه به‌شمار می‌رود و نشانه هویت نظام، اجتماع و تاریخ آن جامعه محسوب می‌شود و از سوی اعضای جامعه در قبال دیگران، نمود و نمایش پیدا می‌کند. زبان و خط فارسی به‌عنوان شناسنامه ملت، اولین راه ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف است؛ به‌عبارتی، اولین تجلی هویت یک مجموعه را در زبان و خط آنها می‌توان یافت که خود به‌نوعی گویای اهمیت زبان و خط خواهد بود. در هر جامعه‌ای ممکن است چندین زبان مختلف مورد استفاده قرار گیرند و ارتباطات میان‌فرهنگی در جهان امروز، باعث تغییر تدریجی زبان و خط مردم یک جامعه گردد. انتخاب یک یا چند زبان به‌عنوان زبان رسمی در کشور، اقدام مهم و ضروری در جهت تثبیت ماهیت فرهنگی و تمدنی جامعه برای تثبیت هویت ملی در مقابل ملت‌های دیگر خواهد بود (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۷).

در بسیاری از کشورهای دنیا، یک زبان به دلایل مختلف و بر اساس سابقه و اشتراک جامعه بر آن، به‌عنوان زبان رسمی انتخاب شده تا همه تلاش‌ها در جهت حفظ، تثبیت و مراقبت از این رکن هویتی جامعه صورت گیرد. هر جامعه‌ای به غیر از زبان رسمی احتمالاً دارای زبان‌های محلی گوناگونی نیز خواهد بود و درباره چگونگی برخورد حاکمیت متمرکز با زبان‌های محلی رویکردهای متعددی وجود دارد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی را آزاد شمرده است (کعبی، ۱۳۹۴، صص. ۷-۸). بر اساس قانون اساسی ایران، «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است» (قانون اساسی، ۱۳۸۷، اصل ۱۵). بر اساس این اصل، متون رسمی کشور هم باید بر اساس زبان فارسی تنظیم شوند (فتحی، ۱۳۹۳، ص. ۵). زبان رسمی در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه تعریف می‌شود؛ «زبان رسمی به آن زبانی می‌گویند که در مؤسسات دولتی معمول است و احکام دولتی و امثال این‌ها باید با آن زبان باشد... زبان رسمی یعنی متون و احکام، یعنی کتاب‌های درسی که به زبان فارسی است، احکامی را که دولت صادر می‌کند، اسنادی را که مبادله می‌کند، متون قوانین همه به زبان فارسی است» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۵۷۵).

در خصوص چرایی انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان رسمی در قانون اساسی باید اشاره شود که علت این انتخاب را بایستی در رواج و دامنه نفوذ آن در اکثریت مطلق کشور و سابقه تاریخی استفاده مردم ایران در استفاده از این زبان به عنوان زبان مشترک دانست؛ و هیچ کدام از زبان های دیگر در ایران، قابلیت معرفی به عنوان زبان مشترک را ندارند. انتخاب زبان فارسی به عنوان زبان رسمی از نظر مبانی فقهی نیز با مانعی برخورد نمی کند؛ چراکه از یک سو در قرآن کریم اختلاف زبان ها نه تنها به رسمیت شناخته شده است بلکه از نشانه های قدرت الهی دانسته شده است؛ البته رسمیت زبان فارسی به هیچ عنوان به معنای ستیز با زبان عربی به عنوان زبان دین اسلام نیست و در جهت حذف آن قرار ندارد؛ چون استفاده از زبان فارسی در اسناد و مکاتبات رسمی، منافاتی با استفاده از زبان عربی در حیطه واجب آن یعنی قرآن کریم، عبادات و بعضی از عقود خاص ندارد و فراگیری زبان عربی برای استفاده در این امور در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است (کعبی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳).

## ۲-۲-۶. اولویت زبان مشترک در مسیر اتحاد ملی

این بخش به سؤال «زبان فارسی چه نقشی در وحدت ملی بر اساس اصل پانزدهم قانون اساسی دارد؟» می پردازد و در زمینه چرایی تدوین اصل پانزدهم با موضوع «زبان» و «خط» در بنیادی ترین سند حقوقی و سیاسی کشور باید گفت که مردم ایران قبل از هرگونه تعلق فرهنگی و قومی، عضو و متعلق به کشور ایران هستند. به یقین حفظ و تلاش در استحکام وحدت اعضای این واحد کل (کشور ایران) امری ضروری و مورد توجه قانون گذار اساسی است. در اصل نهم قانون اساسی، حفظ وحدت به عنوان وظیفه دولت و احاد ملت عنوان شده است و در تحقق این هدف، تأکید بر مشترکاتی چون زبان و خط مشترک که اسناد رسمی و کتب درسی به آن خط و زبان نگارش یابد، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ موضوعی که در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده و از نوشتن کتب درسی به صورت واحد و به زبان فارسی در سراسر کشور، به عنوان حلقه اتصالی برای ایجاد وحدت ملی یاد شده است (آیین نگینی، ۱۳۹۴، ص. ۶). در صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده است که زبان فارسی در تقویت وحدت ملی، بر سایر زبان ها اولویت دارد: «یک حلقه اتصالی برای حفظ وحدت ملی در مملکت لازم داریم. اگر بنا شود در هر منطقه ای کتاب های درسی به زبان آن منطقه تنظیم بشود، از هم فاصله می گیریم؛ بنابراین وحدت ملی متزلزل

می‌شود» (اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص. ۵۷۷). این مسئله نشان می‌دهد که اعضای شورای تصویب قانون اساسی به موضوع نقش‌آفرینی زبان ملی در تأمین اتحاد جمعی و وحدت ملی تأکید داشته‌اند و این مسئله در اصل پانزدهم بازتاب داشته است.

تجربه تاریخی ایران در زمان رژیم پهلوی نشان می‌دهد که تأکید بر زبان رسمی و بی‌توجهی به زبان‌های قومی، محلی و اقلیت‌ها، می‌تواند وحدت ملی را خدشه‌دار نماید. با توجه به اهمیت بالای گسترش زبان واحد در رسیدن به وحدت ملی، حکومت پهلوی اول کوشید با تأسیس مدارس جدید، استخدام معلمان غیربومی، ارسال مجلات رایگان و تشکیل مجالس سخنرانی زبان فارسی را در مناطق مختلف ایران که دارای اقوامی با گویش‌ها و زبان‌های مختلف بودند، گسترش دهد و در عین حال با جدیت و استفاده از جبر، تمام تلاش خود را برای تضعیف و محو سایر زبان‌های ایرانی و غیرایرانی و گویش‌های محلی به کار گرفت. این سیاست علاوه بر ایجاد تنفر و بیزاری اقوام ایرانی از حکومت پهلوی، باعث افزایش تمایلات ملی‌گرایی قومی شد و بعد از سقوط رضاشاه خود را به شکل تلاش برای کسب خودمختاری نشان داد. این امر اثبات کرد که با توجه به آنکه زبان مهم‌ترین عنصر هویت یک جامعه و دربرگیرنده حافظه تاریخی آن جامعه است، هرگونه تلاش برای تضعیف، نفی و محو زبان‌ها و گویش‌های رایج در ایران نه تنها امری عقلانی به نظر نمی‌آید بلکه مسلماً فرایند وحدت ملی را با دشواری‌ها و خطرهای بزرگی مواجه می‌سازد. با مدنظر قرار دادن شکست سیاست یکسان‌سازی فرهنگی و زبانی در دوران پهلوی، می‌توان گفت استفاده از الگوی سیاست تکثرگرایی فرهنگی و زبانی، با توجه به پیش‌زمینه‌های تاریخی و بومی جامعه‌ای چندقومی همچون ایران، می‌تواند کارساز و یکی از روش‌های مفید برای حفظ انسجام و همبستگی ملی باشد (رسولی و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۹۳)؛ بنابراین، باید پذیرفت که هویت زبانی در ورای مرزها و محدودیت‌ها به صورت سیال ایجاد می‌شود و قوم‌نگاری جمعیت‌ها نشان می‌دهد که تنوع زبانی ارتباط نزدیکی با موجودیت و هویت اجتماعی دارد (نیازی و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۷).

در مورد زبان و خط فارسی ممکن است راجع به وصف «مشترک» این فرضیه به ذهن متبادر شود که هدف این اصل قانونی از ذکر این واژه نیز اعلان و اخباری از واقع بوده است. این فرضیه با بررسی فرهنگ، زبان و خط همه اقوام ایرانی رد می‌شود؛ چراکه در برخی از مناطق کشور اقوام و اقلیت‌هایی بوده و هستند که با



زبانی غیر از فارسی تکلم می‌کنند و حتی بعضاً نمی‌توانند به زبان فارسی سخن بگویند و یا به قلم فارسی نگارش کنند. فرضیه دیگر این است که مقصود از «مشترک» آن است که زبان و خط مردم ایران باید فارسی باشد؛ نه آنکه در زمان تدوین قانون اساسی این مهم واقع بوده باشد. بر اساس این تفسیر نوعی تکلیف به آموزش و یادگیری زبان فارسی برای افراد جامعه ایجاد می‌شود. راجع به این فرضیه، مقصود آن نیست که با آموزش زبان فارسی این زبان به کلی و به صورت تحمیلی جایگزین زبان‌های محلی اقوام و گروه‌ها شود بلکه مقصود وجود یک نقطه اشتراکی است که ارتباطات افراد در جامعه را سهل کرده و به عنوان یک رمز اتحاد ملی بر قوام و گسترش انسجام ملی بیفزاید. یکی از مقاصد قانون‌گذار اساسی در موصوف کردن زبان و خط فارسی به وصف مشترک، تلاشی در راستای عملیاتی کردن وحدت در جامعه است (آیین‌نگینی، ۱۳۹۴، صص. ۲۴-۲۵).

### ۶-۲-۳. به رسمیت شناختن اقلیت زبانی به مثابه حق انسانی

در این بخش «مسئله اقلیت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چگونه بازتاب یافته است؟» مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین موارد در قانون اساسی که در آن به حقوق خاص قومی پرداخته می‌شود، مسئله آزادی فرهنگی و امکان حفظ هویت زبانی قومیت‌ها است که در این خصوص می‌توان به اصول پانزدهم، نوزدهم، بیستم، بیست و چهارم و بیست و ششم اشاره کرد. اصل پانزدهم قانون اساسی، بعد از اعلام و تعیین زبان رسمی، آزادی‌های متنوعی را برای استفاده از زبان‌های «محلی و قومی» ذکر می‌کند که عبارت‌اند از: آزادی به‌کارگیری این زبان‌ها در مطبوعات و رسانه‌های گروهی، و تدریس زبان و ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی. این سیاست‌گذاری زبانی و حقوقی که در نوع خود جلب توجه می‌نمایند، امکان تداوم فرهنگی را برای گروه‌های زبانی و قومی فراهم می‌آورند (قاسمی، ۱۳۸۲، ص. ۸۶۸).

باید پذیرفت که تمام جوامع به درجات متفاوت چندزبانه هستند و تصور یک جامعه تک‌زبانه بیشتر زاده وهم است تا واقعیت. در کنار تمدن‌های هند و آفریقا، فلات ایران از درخشان‌ترین نمونه‌های تاریخی همزیستی و هم‌آمیختگی زبانی می‌باشد (کلان، ۱۳۹۷، ص. ۱). تکلم به زبان قومیتی و مادری از یک خواسته به یک حق تبدیل شده است. حاکمیت در مقابل این خواسته مشروع نیازمند اتخاذ سیاست‌هایی است که برخورداری از حق گویش به زبان مادری را تضمین کند. ایران همواره کشوری

همراه با تنوع قومیتی بوده است. ثبات جامعه ایرانی، فراتر از سیاست‌های دولت - ملت‌سازی از طریق سرکوب زبان‌های قومیتی است. زبان‌های قومیتی ظرفیت ملی برای ترویج رواداری تلقی می‌شود. پس، زبان مادری و قومیتی به‌عنوان یکی از حقوق شهروندان ایرانی قابل احترام است. یکسان‌سازی با توسل به اجبار نمی‌تواند سیاست پایدار در حوزه زبان باشد. افزایش تنوع در برنامه‌های حمایتی آموزش زبان یک سیاست زبانی خواهد بود (ناظمی، ۱۳۹۷، صص. ۲۴۷-۲۴۹).

بیشترین تنوع اقلیتی ایران، ناظر به اقلیت‌های زبانی است؛ نظر به اینکه برابر اصل پانزدهم قانون اساسی، زبان و خط رسمی مردم ایران فارسی است، هر دسته بزرگ جمعیتی یا گروه بزرگی از شهروندان که به زبانی غیر از فارسی تکلم یا مکاتبه نماید، اقلیت زبانی تلقی می‌گردد. مهم‌ترین اقلیت‌های زبانی ایران به شرح زیر دسته‌بندی می‌شوند؛ اقلیت زبانی ترکی آذری، اقلیت زبانی کردی و اقلیت زبانی عربی. البته در ترکیب جمعیتی ایران، گروه‌های نسبتاً بزرگی از ارمنه، مسیحیان و یهودیان در شهرهای مهمی مانند تهران، تبریز، اصفهان، ارومیه و یزد جای گرفته‌اند. این گروه‌ها را علاوه بر دسته‌بندی در اقلیت‌های دینی، در اقلیت‌های زبانی نیز می‌توان قرار داد. به عبارت دیگر، افراد متعلق به گروه‌های جمعیتی فوق، علاوه بر حق برخورداری از چتر حمایتی اقلیت‌های دینی، از حقوق مربوط به آزادی زبان بر اساس اصول قانون اساسی به‌خصوص اصل پانزدهم نیز منتفع هستند (آریامنش، ۱۳۹۰، صص. ۷۸-۸۱).

به کارگیری مفهوم «قومی» در اصل ۱۵ برای آموزش ادبیات مشخصاً برای اقلیت‌های دینی ارمنی، کلدانی، آشوری و کلیمی است و ربطی به موضوع اقوام ایرانی یا زبان‌های کردی، اورامی، لکی، کلهری، آذری، قشقایی، تالشی، لری بختیاری، لری لرستانی، بلوچی سرحدی، بلوچی مکرانی، عربی و غیره ندارد؛ چراکه برای این گروه‌ها از عبارات «زبان‌های محلی» استفاده شده بود و صرفاً به دلیل درخواست نماینده ارمنه است که با توجه به نداشتن محل و مکانی به نام ارمنی یا آشوری‌ها در ایران (همچون مثلاً آشورستان و غیره) واژه «قومی» به اصل پانزدهم اضافه شد. پاسخ آقای دکتر بهشتی چنین بود؛ «نایب رئیس (بهشتی) - آقا می‌گویند ارمنه محل مشخصی ندارند و حال آنکه زبانی دارند و می‌خواهند یک مجله‌ای را به زبان ارمنی منتشر کنند؛ بنابراین اگر ما قومی را اضافه کنیم تکمیل می‌شود و چیزی هم کم نمی‌شود» (هوشمند، ۱۳۹۲، ص. ۱). نمایندگان مجلس خبرگان بررسی پیش‌نویس قانون اساسی نیز با پیشنهاد دکتر بهشتی موافقت می‌کنند و واژه «قومی» در کنار جمله پیشین



یعنی زبان‌های محلی به قانون اساسی جمهوری اسلامی اضافه می‌شود. در نهایت اصل پانزدهم با اضافه‌شدن مفهوم زبان‌های قومی برای رعایت حقوق هموطنان ارمنی، کلدانی، آشوری و کلیمی در قانون اساسی اصلاح شد و رأی آورد. امروز در ایران ده‌ها مدرسه برای آموزش هموطنان ارمنی، کلیمی، آشوری و کلدانی در حال فعالیت هستند. در این مدارس برای اجرایی‌شدن این بخش از قانون اساسی یعنی آموزش زبان‌های قومی، اقدامات کاملی صورت گرفته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که زبان‌های قومی، آن‌گونه که مراد قانون نویسندگان بوده (و نه آن‌گونه که مقصود جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی در تعریف این مفهوم یعنی قوم و اقوام ایرانی است) در ایران اجرایی شده است (هوشمند، ۱۳۹۲، ص. ۱).

با توجه به شیوه نگارش اصل پانزدهم قانون اساسی، نظر به اینکه زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی اعلام شده است؛ اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به فارسی باشد. این امر مانع از آزادی آموزش و تدریس زبان‌های دیگر نیست؛ به موجب اصل فوق، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات، رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در کنار زبان فارسی، در مدارس آزاد شناخته شده است. اصل فوق به لحاظ شکلی با مفاد بند سوم ماده ۴ حقوق اقلیت‌ها مطابقت دارد و ناظر به حق بهره‌مندی از زبان مادری برای آموزش است؛ زیرا دولت مکلف گردید امکاناتی را فراهم سازد تا اقلیت‌های زبانی، کتب درسی یا آموزش درسی را تا حد ممکن به زبان مادری و محلی دریافت کنند و برابر اصل ۱۵ قانون اساسی، تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی در مدارس پیش‌بینی شده است (آریامش، ۱۳۹۰، ص. ۸۶).

#### ۴-۲-۶. الگوی راهبردی وحدت‌گرایی در عین پذیرش کثرت‌گرایی زبانی

در این بخش به این سؤال پاسخ داده می‌شود که الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی چه می‌باشد؟ باید در نظر داشت ایران سرزمینی است با تنوع طبیعی - فرهنگی بسیار بالا که می‌توان از آن به نحو مطلوبی در روند توسعه و قدرتمندتر شدنش بهره برد؛ تکثر زبان‌ها و قومیت‌ها یکی از اشکال این تنوع است که به‌رغم تصویری که عموماً به‌صورت منفی از آن ایجاد شده و گاه آن را به‌مثابه مشکلی احتمالی برای انسجام و فرایند شکل‌گیری روحیه و ساختارهای دولت ملی مطرح کرده‌اند، می‌تواند درست برعکس به‌مثابه ابزاری اساسی برای تقویت این فرایند به‌کار گرفته شود (فکوهی، ۱۳۸۶، ص. ۱۲۷). قانون اساسی هم در اصل پانزدهم به‌گونه‌ای

اشاره می‌کند که کثرت‌گرایی زبانی را می‌پذیرد و نگرش قانون‌گذار به زبان اقوام و مناطق مختلف نیز هرگز برداشتی مبنی بر تهدید بودن چندزبانی و رواج زبان‌های محلی و قومی را نشان نمی‌دهد.

بررسی اصل پانزدهم قانون اساسی نشان می‌دهد که دو رویکرد به‌صورت توأمان در زمینه زبان در این اصل وجود دارد: وحدت‌گرایی زبانی و کثرت‌گرایی زبانی. از این‌رو، الگوی سیاست‌گذاری هویت زبانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وحدت‌گرایی (تأکید بر زبان رسمی) در عین کثرت زبانی (احترام به حقوق زبانی اقلیت‌ها، قومیت‌ها و...) می‌باشد.

### جدول (۱): الگوی هویت زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی

ردیف	رویکردهای زبانی	گزاره‌ها در اصل پانزدهم
۱	وحدت‌گرایی زبانی	زبان رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است
		خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.
		اسناد باید با زبان و خط فارسی باشد.
		مکاتبات با زبان و خط فارسی باشد.
		متون رسمی باید با زبان و خط فارسی باشد.
		کتب درسی باید با زبان و خط فارسی باشد.
۲	کثرت‌گرایی زبانی	استفاده از زبان‌های محلی در مطبوعات
		استفاده از زبان‌های محلی در رسانه‌های گروهی
		تدریس ادبیات زبان‌های محلی در مدارس.
		استفاده از زبان‌های قومی در مطبوعات
		استفاده از زبان‌های قومی در رسانه‌های گروهی
		تدریس ادبیات زبان‌های قومی در مدارس.
۳	وحدت‌گرایی در عین کثرت‌گرایی زبانی	زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.

باید توجه داشت که الگوی زبانی وحدت‌گرا دارای مشکلاتی نظیر احساس تبعیض قومی و زبانی میان اقلیت‌ها، مشکلات نظام آموزشی تک‌زبانه برای اقلیت‌ها

به‌ویژه در سال‌های نخست تحصیل همچون بالا رفتن نرخ بی‌سوادی در مناطق قومی و زوال سرمایه‌های قومی می‌باشد. درعین‌حال، تأکید فراوان بر روی سیاست‌گذاری هویت زبانی کثرت‌گرا، منجر به تقویت روحیه جدایی‌طلبی و محلی‌گرایی، تقویت احساس تعلق قومی، تضعیف وحیه ملی، ایجاد مانع در برابر توسعه و مشکلات اداری برای نظام‌های آموزشی چندزبانه می‌شود. از این‌رو، پذیرش الگوی ترکیبی در سیاست‌گذاری هویت زبانی می‌تواند راهگشا باشد. الگوی ترکیبی عبارت است از انتخاب بیش از یک زبان رسمی و منطقه‌ای در کنار یک زبان مشترک در سطح ملی تا به این ترتیب، هم به حقوق زبانی گروه‌های قومی - زبانی مناطق مختلف یک کشور احترام گذاشته شود و هم از طریق یک زبان رسمی مشترک به‌عنوان نماد ملیت، همبستگی و هویت ملی، حفظ و برجسته شود. الگوی ترکیبی با پوشش دادن محدودیت‌های ایجاد شده توسط دو الگوی یاد شده، با پیوند دادن میان احساس تعلق قومی و همبستگی ملی، کارآمدتر می‌باشد (عیوضی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸). یکسان‌سازی زبانی دارای دو شکل ساختاری و فرهنگی است و در اثر آن مهم‌ترین هویت فرد، هویت ملی وی شده و هویت‌های قومی، زبانی و مذهبی وی به نفع هویت ملی کم‌رنگ می‌شود. البته این به معنای از بین رفتن فرهنگ قومی خاصی نیست (ابراهیمی، ۱۳۹۲، صص. ۲۶-۲۷).

### نتیجه‌گیری

این مقاله تلاشی برای تبیین دو مؤلفه هویت و زبان در حقوق اساسی است. جامعه آماری این مقاله، اصل پانزدهم در فصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد مذاقه در اصل پانزدهم نشان می‌دهد که نوعی الگوی هویت زبانی قابل استخراج است که برای جامعه چندزبانی و چندفرهنگی ایران مناسب می‌باشد و باید به‌صورت مبسوط‌تری در سایر اسناد فرادستی و قوانین ملی جمهوری اسلامی ایران بازتاب یابد. یافته‌های مقاله نشان می‌دهند که قانون‌گذار اساسی، ضمن تأکید بر زبان رسمی، هویت‌های زبانی دیگر را به رسمیت می‌شناسد و بر اساس تأکید بر زبان‌های قومی و محلی، سیاست زبانی مندرج در قانون اساسی را نمایانگر می‌سازد و چنین به‌دست می‌آید که از منظر هویت زبانی، اصل پانزدهم بر احترام به حقوق زبانی اقلیت‌های زبانی تأکید دارد و به‌مثابه یک حق انسانی، زبان‌هایی که در مناطق مرزی یا توسط اقوام مختلف به کار گرفته می‌شوند می‌توانند در جامعه زبانی به حیات خود ادامه دهند و در کنار زبان رسمی، مورد استفاده قومیت‌ها و شهروندان مناطق مختلف

کشور قرار گیرند و حتی از حیث سیاست‌گذاری آموزش زبانی، تدریس ادبیات زبان‌های محلی و قومی آزاد می‌باشد و در کنار ادبیات فارسی به‌عنوان زبان رسمی و معیار در جمهوری اسلامی ایران، زبان‌های قومی و محلی هم از فرصت تدریس و آموزش برخوردار خواهند بود و دولت وظیف دارد که در این مسیر، هیچ مانعی را به‌وجود نیاورد. در بُعد مطبوعات و رسانه‌های گروهی نیز، اصل پانزدهم این اجازه را به گویشوران محلی و قومی می‌دهد تا آزادانه به فعالیت بپردازند و هیچ منعی پیش روی این مسئله وجود ندارد؛ البته زبان‌های محلی و قومی در رسانه‌های دیداری، شنیداری و مطبوعات نباید برخلاف اصول قانون اساسی و مصالح جمعی و منفعت ملی ایرانیان عمل نمایند. الگوی هویت زبانی در قانون اساسی، سیاست یکسان‌سازی زبانی است که می‌توان نمونه آرمانی آن را وحدت‌گرایی در عین پذیرش کثرت‌گرایی زبانی می‌باشد. به این معنا که زبان رسمی و مشترک ایرانیان فارسی می‌باشد و در اسناد، مکتوبات، متون رسمی و کتب درسی، زبان معیار نیز زبان فارسی می‌باشد؛ اما این تأکید بر وحدت‌گرایی زبانی، منجر به نفی کثرت زبانی در جامعه چندزبانی و دارای تنوع فرهنگی نمی‌شود؛ در این مسیر، زبان‌های محلی و قومی امکان بروز در عرصه‌های مختلف را خواهند یافت. ترکیب این دو رویکرد وحدت‌گرایی و کثرت‌گرایی زبانی در اصل پانزدهم قانون اساسی، منجر به شکل‌گیری سیاست‌گذاری عادلانه، مسئولانه و نافع در حوزه هویت زبانی می‌شود؛ به این معنا که قانون اساسی می‌پذیرد اقلیت‌ها، قومیت‌ها و نواحی مختلف دارای هویت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زبانی و... هستند و در این میان، پیوند میان هویت و زبان بسیار راهبردی است و نباید هویت زبانی اقوام و اقلیت‌ها را نادیده گرفت. اصل پانزدهم، هویت‌های زبانی غیر از زبان فارسی را می‌پذیرد و تأکید دارد که دولت نباید مانعی در مسیر سیاست هویت زبانی ایجاد نماید.

## راهبردها

برخی از راهبردهای برای توسعه هویت زبانی که در جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته، به قرار زیر است:

- ۱- تأکید بر زبان فارسی در اسناد، مکاتبات و متون رسمی با بهره‌گیری از برنامه‌های رسانه‌ای صوتی و تصویری؛
- ۲- توسعه زبان‌های محلی از طریق حمایت از نشریات بومی و محلی؛
- ۳- تولید محتوای مورد نیاز جامعه با توجه به مخاطبان قومی در مناطق مختلف کشور؛

- ۴- بسترسازی تدریس زبان‌های قومی و محلی در مدارس و آموزش معلمان برای ترویج صحیح گویش و زبان‌های قومی و محلی؛
- ۵- وضع قوانین برای توسعه زبان قومی در مناطق دارای پراکندگی قومیت‌ها و حمایت از فعالیت‌های آموزشی در این زمینه؛
- ۶- تخصیص اعتبارات لازم برای پیشرفت کمی و کیفی برنامه‌های زبان‌آموزی؛
- ۷- حمایت راه‌اندازی، تقویت و توسعه مطبوعات محلی و قومی؛
- ۸- افزایش برنامه‌های شبکه‌های تلویزیونی استانی با محوریت زبان‌های محلی و قومی؛
- ۹- برنامه‌ریزی برای توسعه فعالیت‌های روزنامه‌ای با زبان‌ها و گویش‌های محلی در کنار کاهش دادن محدودیت‌های پیش‌روی آنها.

### فهرست منابع

- آذرشب، محمدعلی و همایونی، سعدالله (۱۳۹۴). واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های / برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان. *فصلنامه علم زبان*، ۳(۵)، ۸۹-۱۱۶.
- آریامنش، بشیر (۱۳۹۰). حقوق اقلیت‌ها از منظر قانون اساسی و موازین بین‌المللی. *فصلنامه تعالی حقوق*، ۴(۱۳ و ۱۴)، ۷۷-۹۴.
- آیین‌نگینی، حسین (۱۳۹۴). شرح مبسوط قانون اساسی؛ شرح اصل پانزدهم قانون اساسی. تهران: شورای نگهبان.
- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۲). سلسله جلسات بازخوانی مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی سال ۱۳۵۸؛ بررسی اصل پانزدهم. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- اجلالی، پرویز (۱۳۹۳). جهانی شدن و زبان فارسی. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۸(۳)، ۶-۲۷.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۴). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مجلس شورای اسلامی.
- ترابی، یوسف و مجیدی، یوسفعلی (۱۳۹۳). بررسی چگونگی مدیریت شکاف‌های قومی در کردستان جمهوری اسلامی ایران. *پژوهش راهبردی سیاست*، ۳(۱۱)،

۹-۲۹

- جردن، تری و راونتری، لستر (۱۳۸۰). *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگ*. ترجمه تولایی و سلیمانی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسینی‌بهشتی، ملوک‌السادات (۱۳۹۶). *اصطلاح‌شناسی و واژه‌سازی در زبان آلمانی*. تهران: نشر چاپار.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۴). *سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران*. *سیاست‌گذاری عمومی*، ۱(۲)، ۶۹-۸۸.
- درخشه، جلال؛ افتخاری، اصغر و ردادی، محسن (۱۳۹۴). *تحلیل مضمونی اعتماد در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای*. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۶(۱۷)، ۵۳-۷۲.
- رسولی، حسین و دیگران (۱۳۹۵). *سیاست‌های زبانی پهلوی اول در کردستان و پیامدهای آن*. *مطالعات تاریخ فرهنگی*، ۸(۳۰)، ۷۷-۹۶.
- رضاپور، محمد و نادری، محمود (۱۳۹۳). *جهانی‌شدن و تکثرگرایی قومی در ایران*. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۵(۱۷)، ۵۵-۹۱.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۹۵). *زبان و هویت*. *ماهنامه چپا*، (۱۵).
- طاهری، غزاله (۱۳۹۲). *طراحی و تبیین الگوی ملت‌سازی پایدار*. *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۲(۷)، ۳۴-۶۷.
- عیزی، امین (۱۳۹۵). *آموزش و پرورش چندزبانگی: سوئیس*. *ماهنامه چپا*، (۱۵).
- عیلانی، رزیتا (۱۳۹۱). *از هویت زبانی تا پایداری فرهنگی*. در *همایش زبان مادری*. گرگان: دانشگاه آزاد گرگان.
- عیوضی، یاور و دیگران (۱۳۹۷). *مروری بر مطالعات قومی در ایران*. *تحقیقات فرهنگی ایران*، ۱۱(۴۲)، ۱-۳۶.
- فتحی، محمد (۱۳۹۳). *اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان: اصل پانزدهم*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۶). *نقش زبان و هویت‌های قومی و محلی در توسعه نظام آموزش عالی*. *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، ۳(۹)، ۱۲۷-۱۶۰.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۲). *اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۴(۴)، ۸۵۳-۸۷۲.
- قانون اساسی ج.ا.ایران (۱۴۰۰). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸*. به کوشش: جهانگیر منصور، تهران: نشر دوران.

- قمری، محمدرضا و حسن‌زاده، محمد (۱۳۸۹). نقش زبان در هویت ملی. فصلنامه زبان‌پژوهی، ۲(۳)، ۱۵۳-۱۷۲.
- کعبی، عباس (۱۳۹۴). تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحلیل مبانی اصل پانزدهم قانون اساسی. تحقیق و تنقیح محسن ابوالحسنی، تهران: دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی پژوهشکده شورای نگهبان.
- کلان، امیر (۱۳۹۷). چه کسی از آموزش چند زبانه می‌هراسد؟ ترجمه هیوا ویسی، بی‌جا: نشر الکترونیکی.
- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی تحلیل مضمون و کاربرد آن در مطالعات سیاست‌گذاری عمومی. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۲)، ۱۸۹-۲۰۸.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
- مارجر، مارتین (۱۳۷۷). سیاست قومی. مطالعات راهبردی، ۱۱(۱)، ۱۵۳-۱۸۲.
- محمودی، سهیلا (۱۳۹۵). مفهوم، مبانی و مؤلفه‌های حقوق زبانی در اسناد بین‌المللی و ترسیم الگوی مطلوب در نظام حقوقی ایران. تبریز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تبریز.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۴). پلورالیسم قومی - زبانی و هویت ملی. انسان‌شناسی، ۴(۷)، ۱۴۶-۱۲۹.
- میرزائی، حسین (۱۳۹۳). مطالعه انسان‌شناختی هویت زبانی مهاجران افغان در ایران. مطالعات اجتماعی ایران، ۸(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
- ناظمی، امیر (۱۳۹۷). سیاست زبان در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۸(۲۶)، ۲۴۱-۲۵۰.
- نیازی، محسن و دیگران (۱۳۹۲). زبان و هویت. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۹(۳۰)، ۲۲۹-۱۹۹.
- هوشمند، احسان (۱۳۹۲). معنای آموزش زبان‌های قومی در قانون اساسی. روزنامه ایران، (۵۵۸۷).
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۹). برداشت‌های سیاستی و اجرایی از اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات ملی، ۲۱(۸۴)، ۳-۲۴.

Joseph, J. E. (2006). Linguistic identities. *Language Problems and Language Planning*, 30(3), 261-267.

Rajagopalan, K. (2001). The politics of language and the concept of linguistic identitit. *CAUCE, Revista de Filología y su Didáctica*, (24), 17-28.

## References

- Ailani, Rosita (1391). From linguistic identity to cultural stability, in the mother tongue conference. Gorgan: Gorgan Azad University. (In Persian)
- Aryamnes, Bashir (1390). The rights of minorities from the perspective of the constitution and international standards, the quarterly of excellence in law, 4(13-14), 77-94. (In Persian)
- Ayenehghini, Hossein (2014). Detailed description of the Constitution; Description of the fifteenth article of the constitution. Tehran: Guardian Council. (In Persian)
- Azarshab, Mohammad Ali & Homayouni, Saadullah. (2014). Analyzing culture and its role in language teaching policies/planning, Linguistics Quarterly, 3(5), 116-89. (In Persian)
- Azizi, Amin (2015). Multilingual Education: Switzerland, Chepa Monthly, (15). (In Persian)
- Ebrahimi, Mehdi (2012). A series of detailed re-reading sessions of the Parliament's deliberations on the final review of the 1358 Constitution; Examining the fifteenth principle. Tehran: Guardian Council Research Institute. (In Persian)
- Ejjali, Parviz (2013). Globalization and Persian language. Iran Social Studies, 8(3), 6-27. (In Persian)
- Eyvazi, Yavar and others. (2017). A review of ethnic studies in Iran. Iran Cultural Research, 11(42), 1-36. (In Persian)
- Fakuhi, Naser (1386). The role of language and ethnic and local identities in the development of the higher education system. Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies, 3(9), 127-160. (In Persian)
- Fathi, Mohammad (2013). The principles of the Constitution in the light of the views of the Guardian Council: the fifteenth principle. Tehran: Guardian Council Research Institute. (In Persian)
- General Department of Cultural Affairs and Public Relations of the Islamic Council (1364). Annotated form of the deliberations of the Parliament of the final review of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Islamic Council. (In Persian)
- Ghasemi, Mohammad Ali (1382). Minorities in the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Strategic Studies Quarterly, 6(4), 853-872. (In Persian)
- Golmohammadi, Ahmed (1381). Globalization, culture, identity. Tehran: No publication. (In Persian)
- Haqqanah, Jafar (2014). Ethnic politics in the Islamic Republic of Iran. Public Policy, 1(2), 69-88. (In Persian)
- Hoshangi, Hamid (2019). Political and executive perceptions of Article 15 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. National Studies, 21(84), 24-3. (In Persian)
- Hoshmand, Ehsan (2012). The meaning of teaching ethnic languages in the constitution, Iran newspaper, (5587). (In Persian)



- Hosseinibeheshti, MolukalSadat (2016). Terminology and word formation in German language. Tehran: Chapar Publishing. (In Persian)
- Jordan, Terry & Rowntree, Leicester (1380). An introduction to the geography of culture. Translated by Tolai and Soleimani, Tehran: Culture, Art and Communication Research Institute. (In Persian)
- Joseph, J. E. (2006). Linguistic identities. *Language Problems and Language Planning*, 30(3), 261-267.
- Kabi, Abbas (2014). Analysis of the foundations of the system of the Islamic Republic of Iran; Analysis of the basics of the fifteenth article of the constitution. Mohsen Abolhosni's research and revision, Tehran: Office of Islamic Systemization Studies, Guardian Council Research School. (In Persian)
- Kalan, Amir (2017): Who is afraid of multilingual education?, translated by Hiva Visi, Bija: electronic publication. (In Persian)
- Kamali, Yahya (2017). Content analysis methodology and its application in public policy studies. *Public Policy Quarterly*, 4(2), 189-208. (In Persian)
- Madrasi, Yahya (1384). Ethno-linguistic pluralism and national identity. *Anthropology*, 4(7), 129-146. (In Persian)
- Mahmoudi, Soheila (2015). The concept, foundations and components of linguistic rights in international documents and drawing the ideal model in Iran's legal system, Tabriz: Tabriz University Faculty of Law and Political Sciences. (In Persian)
- Marger, Martin (1377). Ethnic Politics. *Strategic Studies*, 1(1), 153-182. (In Persian)
- Mirzai, Hossein (2013). Anthropological study of the linguistic identity of Afghan immigrants in Iran. *Social Studies of Iran*, 8(3), 109-128. (In Persian)
- Nazimi, Amir (2017). Language Policy in the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Strategic Public Policy Studies*, 8(26), 241-250. (In Persian)
- Niazi, Mohsen & et al. (2012). Language and Identity. *Cultural and Communication Studies*, 9(30), 199-229. (In Persian)
- Qamari, Mohammad Reza & Hassanzadeh, Mohammad (1389). The role of language in national identity. *Linguistics Quarterly*, 2(3), 153-172. (In Persian)
- Rajagopalan, K. (2001). The politics of language and the concept of linguistic identit. *CAUCE, Revista de Filología y su Didáctica*, (24), 17-28.
- Rasouli, Hossein & et al. (2015). Language policies of the first Pahlavi in Kurdistan and its consequences. *Cultural History Studies*, 8(30), 77-96. (In Persian)
- Rezapour, Mohammad & Naderi, Mahmoud (2013). Globalization and ethnic pluralism in Iran. *Strategic Studies of Public Policy*, 5(17), 55-91. (In Persian)
- Sajjadi, Seyyed Mehdi (2015). Language and Identity. *Chapa Monthly*,

- (15). (In Persian)
- Seifaldini, Salar (2013). Pathology of interpretations of Article 15 of the Constitution. Tehran: Public Policy Studies Network, 25th Mehr. (In Persian)
- shine, glory; Eftekhari, Asghar & Redadi, Mohsen (2014). Thematic analysis of trust in the thought of Ayatollah Khamenei. Contemporary Political Studies, 6(17), 53-72. (In Persian)
- Taheri, Ghazaleh (2012). Designing and explaining the model of sustainable nation building. Strategic policy researches, 2(7), 34-67. (In Persian)
- The Constitution of Iran (1400). The Constitution of the Islamic Republic of Iran: the Constitution approved in 1358, amendments and changes and completion of the Constitution approved in 1368. Edited by: Jahangir Mansour, Tehran: Doran Publishing. (In Persian)
- Turabi, Yusuf & Yousafali, Majidi. (2013). Investigating how to manage ethnic divides in Kurdistan, Islamic Republic of Iran. Strategic Policy Research, 3(11), 9-29. (In Persian)
- Warai, Seyed Javad (1385). Fundamentals and documents of the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Secretariat of the Council of Leadership Experts. (In Persian)